



پاسخ یک ادعا: آیا ارز پتروشیمی ها به بازار رسمی باز نمی گردد؟

پیمان سپاری، رانت ارزی و ناکارایی بازار آنچه واقعاً رخ داده است

در شرایطی که برخی رسانه ها ادعا می کنند پتروشیمی ها بخش قابل توجهی از ارز صادراتی خود را بازنگردانده اند، یک کارشناس اقتصادی تأکید می کند که صادرکنندگان بزرگ و ریشه دار کشور، از جمله پتروشیمی ها و صنایع فلزات، نرخ بازگشت ارز بسیار بالایی دارند و تخلقات عمده بسیار محدود است. او توضیح می دهد که مشکلات بازار ارز نه ناشی از عدم بازگشت ارز توسط بنگاه ها، بلکه به دلیل اعمال همزمان کنترل های مقداری و قیمتی، محدودیت های بازار رسمی، پیچیدگی پیمان سپاری و انتقال معاملات به بازار غیررسمی است. این کارشناس می گوید، آزادسازی نسبی مسیرهای بازگشت ارز، تنوع روش های معامله برای صادرکنندگان و تسهیل فرایندها می تواند هم جذابیت بازار رسمی را افزایش دهد و هم سرمایه گذاری در صادرات را تقویت کرده و ثبات پایدارتر نرخ ارز را فراهم کند. گفت وگویی «ایران» با **دکتر مهدی دارابی** - پژوهشگر اقتصادی - نشان از آن دارد که برخلاف برخی ادعاها، صادرکنندگان بزرگ نرخ بازگشت ارز بالایی دارند و مشکلات بازار ناشی از ترکیب پیمان سپاری، کنترل قیمتی و مسیرهای غیررسمی است، نه تخلّف عمدی بنگاه ها.



■ گفته می شود صنعت پتروشیمی پس از سال ۹۷ و بازگشت تحریم ها، بخش مهمی از درآمدهای صادرات نفت را جبران کرده است. چه سهمی از این درآمد صادراتی متعلق به پتروشیمی ها یا صنایع نزدیک مثل لاستیک و پلاستیک است؟

بعد از سال ۹۷، به طور مشخص صادرات نفت ما کاهش شدیدی را تجربه کرد. به طور متوسط، در این سال ها تقریباً ۶۰ میلیارد دلار سالانه از محل صادرات کالاهای مختلف، ارز تأمین شده است. از این میزان، صنایع پتروشیمی و پلاستیک سهمی بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار داشته اند که بسته به نوسانات قیمت های جهانی متغیر بوده است. این مقدار تقریباً معادل یک ششم از ارز مورد نیاز برای واردات رسمی کالاهای اساسی کشور است. البته لازم به ذکر است که این رقم یک برآورد تقریبی است، اما تاحدی نشان دهنده سهم واقعی پتروشیمی و صنایع مرتبط در تأمین ارز کشور است.

■ بانک مرکزی با عناوینی مثل زیر کلید بردن یا ایده پیمان سپاری تلاش می کند ارز صادراتی ها ارزان و سریع برگردد تا قیمت در بازار ارز زیاد نشود. بانک مرکزی تا چه حد در این روش کنترل بازار موفق بوده است؟

پیمان سپاری در واقع یک ابزار نامتعارف و موقت است که برای مدیریت نوسانات کوتاه مدت نرخ ارز به کار گرفته می شود و هدف آن توقف روند رشد نرخ ارز نیست، بلکه کاهش نوسانات حول روند کلی است. روند رشد نرخ ارز عوامل بنیادین اقتصادی دارد، از جمله ناترازی های بودجه، انرژی، بانک ها و صندوق های بازنشتی، همچنین انتظارات تورمی ناشی از چشم انداز اقتصادی و شوک های سیاسی. بنابراین مادامی که این عوامل فعال باشند، رشد نرخ ارز ادامه خواهد داشت و تلاش برای تثبیت نرخ ارز به طور کامل نتیجه بخش نخواهد بود.

پیمان سپاری می تواند تا حدی نوسانات موقت را کاهش دهد، اما دو اصل برای موفقیت آن ضروری است: اول عدم همزمانی کنترل مقداری و کنترل قیمت به این معنا که پیمان سپاری در واقع یک کنترل مقداری است و وقتی همزمان کنترل قیمتی نیز اعمال شود، هر دو هدف ناکارآمد خواهند بود.

اصل دوم موقت بودن ابزار است، یعنی پیمان سپاری باید ابزار موقتی باشد، نه دائمی. تجربه تاریخی در ایران نشان می دهد که پیمان سپاری وقتی موفق بوده است که به عنوان ابزار کوتاه مدت و بدون مداخله قیمتی استفاده شده باشد.

شواهد نشان می دهد در دوره های اخیر، پیمان سپاری همراه با مداخله قیمتی باعث شده نرخ بازگشت ارز به مکانیزم رسمی کاهش

باید و نوسانات نرخ ارز شدیدتر شود. به طور نمونه، نرخ عدم بازگشت ارز به بالای ۴۰ درصد رسیده، هرچند این رقم برای صادرکنندگان بزرگ مثل پتروشیمی ها کمتر بوده است.

بنابراین، آمار و شواهد موجود نشان می دهد که پیمان سپاری نوین موفق نبوده است، عمدتاً هم به دلیل اعمال همزمان کنترل قیمتی و مقداری و نگاه دائمی به این ابزار به جای استفاده موقت و تدریجی.

■ با توجه به اینکه بخش مهمی از سهام پتروشیمی ها متعلق به بازنشستگان و مستمری بگیران است، اولین ضررکنندگان قیمت گذاری دستوری و ارز چند نرخی همین گروه از افراد هستند. از طرفی برخی ادعا می کنند که گرانفروشی ارز صادراتی، عامل تورم و فشار به افشار کم درآمد است. از نظر رفاه خانوارهای کم درآمد، اجبار و تحمیل برای ارزان فروشی ارز مجموعاً به نفع آنهاست یا به ضرر؟

واقعیت تلخ این است که اقتصاد ایران با موتورهای تورمی فعالی مواجه است؛ شامل ناترازی های بانکی، بودجه ای، صندوق های بازنشستگی و انرژی، به همراه شوک های خارجی و انتظارات تورمی. همان طور که از سال ۹۷ به بعد مشاهده شده، رشد نرخ ارز و تورم معمولاً در تناسب با هم بوده است. بنابراین، تلاش برای تثبیت نرخ ارز به صورت دستوری، بدون حل مسائل بنیادین، نه تنها موفقیت آمیز نیست بلکه آثار منفی نیز به همراه دارد.



وقتی ارز با نرخ دستوری و رانتی عرضه می شود، به طور طبیعی صف های طولانی برای دریافت آن شکل می گیرد. اختلاف معنادار میان نرخ رسمی و نرخ بازار باعث ایجاد سودهای بادآورده می شود و این خود زمینه ساز شکل گیری رانت، امضاهای طلایی و تخصیص های غیرشفاف است.